



ازدواج بهائی

# ازدواج بهائی

جمع و تدوین: دکتر ظاهره ( خدادوست )

بسم الله الرحمن الرحيم

بنايه سفارش لجنه مالى حيوة بهائى

موسسه ملی مطبوعات امری

سنه ۱۳۴۰ بهمن

فهرست مطالب

|    |  |
|----|--|
| ۴  | مقدمه  |
| ۵  | لزوم ازدواج                                      |
| ۸  | مفهوم ازدواج بهائی                               |
| ۹  | ازدواج حاصلی است که سبب عفت و عصمت انسان میشود   |
| ۱۳ | ازدواج سبب همفکری و همکاری و رشد شخصیت زوجین است |
| ۱۶ | انتخاب همسر                                      |
| ۲۲ | عشق و محبت                                       |
| ۲۳ | ازدواج با جنس بعید                               |
| ۲۳ | تربیت فرزندان مؤمن و خدوم                        |
| ۲۴ | اشتراک در عوالم روحانی                           |
| ۲۵ | ازدواج در سنین جوانی                             |
| ۲۷ | آرزومندی کمال                                    |
| ۲۸ | قلوب مهربان و سرور انگیز                         |
| ۲۹ | انتخاب برای تمام ایام حیات                       |
| ۳۰ | سادگی  |
| ۳۰ | "عشق و ازدواج" بقلم حضرت حرم مبارک روحیه خانم    |

در شریعت بهائی امر مقدّس ازدواج دارای رتبه  
 و مقامی اعلیٰ و ارجمند است . ازدواج بهائی در السواح  
 و ترقیعات منبّه متعالیه بارها تبیین و تشریح شده و  
 ذکر فوائد و ثمرات فردی و اجتماعی و جسمانی و معنوی  
 آن بمیان آمده است . ازدواج صحیح و سنجیده  
 علی العموم و ازدواج بهائی بالاخص دارای نتایج عظیمه  
 جسمانی و اخلاقی برای فرد و اجتماع است . چون  
 ازدواج بهائی ارتباط جسمانی و روحانی هر دو میباشد  
 سبب بهبود زندگانی و سرور و نشاط و راحت و انبساط  
 دختر و پسر میگردد . خانواده ای که بر اساس اصول  
 متین ازدواج بهائی تاسیس یابد از کمال مطلوب  
 برخوردار بوده سبب استحکام مبانی اجتماع میشود .  
 از آنجائیکه خانواده مهمترین واحد سازنده  
 اجتماع است ، لذا علم به اصول و موازین تشکیل عائله  
 بهائی بر پدران و مادران و همچنین بر دختران و  
 پسران عزیز و جوان بهائی لازم و واجب است . اطلاع  
 بر این اصول سبب میگردد که خانواده های بهائی  
 با توجه به دستور العمل تشکیل عائله بهائی و

برپایه های مستحکم اصول ازدواج بهائی تأسیس یابند  
چنین خانواده هائی سبب ایجاد جامعه ای منزّه ،  
موفق ، پیروز و سربلند خواهد گردید . جامعه ای که  
نسلهای آن روز بروز بسوی اصلاح و تکامل گام  
برخواهند داشت . آثار و بیانات مبارکه در این باره  
بسیار است که قسمتهائی از آن در این مقاله ذکر  
میگردد . امید است مورد استفاده و قبول خانواده ها<sup>ی</sup>  
عزیز قرار گیرد .

### لزوم ازدواج

جمال قدم جلّ ذکره الاعظم در کتاب مستطاب  
اقدس میفرمایند : " تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من یذکر  
بین عبادی هذا من امری علیکم اتّخذوه لا نفسکم معیناً "  
مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است :  
ازدواج کنید ای قوم از برای آنکه ظاهر بشود از شما  
کسیکه ذکر کند مرا در میان بندگان من این امر  
من است بر شما آنرا از برای خود کمک و معین بگیری  
ازدواج در دیانت مقدّسه بهائی محمود و  
پسندیده است زیرا ازدواج سبب ظهور فضل و موهبت  
رحمانست و بنا فرموده حضرت عبدالبهاء اقتران در

کلیه مراتب وجود سبب حصول نتایج معدوحه است  
 علی الخصوص در مراتب بالا که اهمیت و ثمراتش عظیمتر  
 است • در این زمینه میفرمایند: " اما از اقتران کائنات  
 همواره نتایج معدوحه حاصل شود • اقتران در ذرات  
 موجودات سبب ظهور فضل و موهبت رحمانست و هر چه  
 رتبه بالاتر رود اهمیت اقتران عظیمتر گردد •••••

علی الخصوص اقتران انسان با انسان بالا خصاگرا  
 بمحبت حضرت یزدان شود و حدت اصلیه جلوه نماید  
 و محبت رحمانیه تاسیس جوید • یقین است این اقتران  
 سبب ظهور العاف حضرت رحمن شود • انتهى

لزوم ازدواج از نظر سلامت جسم و روان با اثبات  
 رسیده است • ارتباط جنسی خارج از محدود<sup>ه</sup> ازدواج  
 برای انسان سبب احساس گناه و شرمندگی میگردد و او  
 را تا درجه حیوان که صرفاً بحکم غریزه در جستجوی  
 دسترسی بجنس مخالف است تدنی و تنزل میدهد •

لکن اگر این روابط بطریق مشروع و همراه با اخلاق  
 و ایمان و توأم با احساس عشق و دوستی و وحدت ابدی  
 باشد منشاء شادی و سلامت و قدرت و همبستگی میشود •  
 حضرت مولی الوری جل ثنائہ در این خصوص میفرمایند:  
 " •• تاہل بموجب شریعت لازم است لہذا خیلی مبارک



است • در جوانی نتایج و برکاتش معلوم نیست ولی بعد ما انسان میبندد عائله ای تشکیل نموده خیلی متلذذ میشود و محظوظ • دیگر آنکه تأهل برای انسان حصنی میگردد که از هوی و هوس مصون میماند و محفوظ • سبب عفت و عصمت انسان میشود چه عند الکما مری اعظم از عصمت و عفت نیست • این اعظم مقامات عالم انسانی است و از خصائص این خلقت رحمانی و درون آن از مقتضیات عالم حیوانی • لهذا تأهل مبارک است و عند الله مقبول " • انتهى (جزوه هدیه ازدواج ص ۱)

ازدواج سبب میشود که زن و شوهر در احساسات و عواطف روحانی ، عمها و شادیهها ، اطفال ، خانه ، درآمد ، علائق و امثال آن شریک باشند و این احساس همکاری و اشتراک مساعی تا زمان پیری باقی میماند • دردوران خزان زندگانی نیز موجب سرور خاطر میشود • ازدواج بکمک عشق و دوستی سبب تعدیل رفتار و اعمال شخص میشود • زندگی او را رونق تازه میبخشد و او را از بی نظمی و بی هدفی میرهاند •

ازدواج سبب دیگر گویهای مطلوب در زندگی افراد مجرد میشود و چون ازدواج بهائی و صلیت جسمانی و روحانی هر دو میباشد همه این تغییرات در

جهت بهبود و ترقی و تعالی هردو نوزاد و شوهر  
 تأثیری مثبت و دلنشین میگذارد • چون اطفال شیرین  
 و نازنین به این اتحادیه دوفری افزوده شوند جلوه‌های  
 تریخشن فردی و اجتماعی ازدواج بهائی مضاعف میگردد  
 مشروط بر آنکه پدر و مادر خود را وقف تربیت و تعلیم آنان  
 نمایند •

وجود اطفال يك احساس مسئولیت جدید و يك  
 جلوه محبت و عشق و همبستگی بین زن و شوهر بوجود  
 میآورد و همکاری برای تربیت فرزندان مادر و پدر را بهم  
 نزدیکتر و باهم صمیمی‌تر مینماید و روابط محبت آمیز  
 ایشانرا تقویت میکند •

### مفهوم ازدواج بهائیس

ازدواج بهائی يك اتحاد روحانی و جسمانی و  
 وحدت ابدی است • بنا بر فرموده حضرت عبدالبهاء  
 ارواحنا لرمسه الا ظهرفدا " ازدواج اهل بها باید  
 ارتباط جسمانی و روحانی هردو باشد زیرا هردو <sup>مست</sup>  
 يك جامند و منجذب يك طلعت بهمثال - زنده بهيك  
 روحد و روشن ازيك انوار • این روابط روحانیه است و  
 اتحاد ابدی است و همچنین در عالم جسمانی نیز  
 ارتباط محکم متین دارند • ارتباط و اتحاد و اتفاق چون

از حیث روح و جسم هردو باشد آن وحدت حقیقی است  
 لهذا ابدی است . اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم  
 باشد البته آن موقت است و عاقبت مفارقت محقق پس  
 باید اهل بها چون رابطه ازدواج در میان آید اتحاد  
 حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد  
 تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت  
 حاصل گردد زیرا این وحدت حقیقی جلوه ای از نور  
 محبت الله است " انتهى .

( جزوه هدیه ازدواج صفحات ۸۷ و ۸۸ )

ازدواج حصنی است که سبب غت

و عصمت انسان میشود

چون ازدواج اهل بها وحدت کامله بین زن  
 و شوهر است لذا نجابت و غت و پاکدامنی و اعتدال  
 از شرایط اساسیه آن محسوب است . بهمین دلیل  
 تعدد و تبدل زوجات در ازدواج بهائی امری  
 ناشایسته و نامطلوب محسوب شده است چنانکه حضرت  
 عبدالبهاء ارواحنا فداه در لوحی خطاب به یکی از احبای  
 الهی میفرمایند : " از خدا خواهم که نجل کریم آقاعلی  
 اکبر را خوی ربانیان بخشد و از تبدل زوجات فراغت  
 یابد زیرا ساء نیز در احساسات جسمانی و روحانی

مانند رجالند اگر زنی هر روزی ضجیح جدیدی جوید  
این حرکت دلیل بر نهایت بی‌عفتی آنست چون بحقیقت  
رجال نیز مانند آن ... " انتهى

عفت و پاکدامنی اصل لازم و لاینفک ازدواج بهائی  
است • بطور کلی تعالیم بهائی در مورد روابط جنسی  
بر اساس این عقیده است که عفت و پاکدامنی باید از  
جانب هر فرد بهائی چه زن و چه مرد دقیقاً مراعات  
شود • لذا این روابط جز بصورت ازدواج مجاز نمیباشد  
چون مسأله عفت و عصمت در ازدواج بهائوسی دارای  
اهمیت فراوان است و از آنجائیکه طرز فکر و روش بهائی  
در باره روابط جنسی لازمه حصول يك ازدواج  
سعادت‌مندانه است لذا ذیلاً قسمتی از دستخط  
بیت العدل اعظم الهی در این مورد که در پاسخ یکی  
از اطباء بهائی مرقوم داشته اند عیناً نقل میگردد •  
" دیانت بهائی به اهمیت روابط جنسی واقف  
است ولی هرگونه تعبیر یا برداشت نادرست از اینگونه  
روابط زیر پوشش عشقهای آزاد و ازدواجهای بی‌بند و  
بار و بدون اولاد و نتیجه رامحکوم مینماید زیرا اینگونه  
اعمال مضر بحال انسان و جامعه‌ای است که در آن  
زندگی میکند •

تمتع کامل از غریزه جنسی حق طبیعی هر فرد است و قاعده ازدواج شرعاً بهمین خاطر ایجاد شده است بهائیان بدون آنکه این حق را تحریم کنند معتقدند که باید تحت ضابطه و قاعده معین کسۀ همان علقه زوجیت باشد اعمال گردد" (ترجمه) (آمنگ بدیع، مهر و آبان ۱۳۵۲ ص ۷)

حضرت ولی عزیز امرالله در نامه مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ خطاب به یکنفر از یاران چنین میفرمایند:

"... سئوالی که شما درباره دل بستگی زن یا شوهر نسبت بدیگری غیر از همسرش طرح کرده اید در تعالیم الهی بصراحت توضیح گردیده است. • باین ترتیب که سَجِيَّةٌ عَفَّتْ وَ تَقَوَّى مُسْتَلْزِمٌ اَنْ اَسْتَكْهَ چیه پیش از ازدواج و چه بعد از ازدواج در روابط جنسی و گفتار و کردار مطلقاً به شریک زندگی خود وفادار باشیم •"

جهان امروز ضمن داشتن مشکلات بسیار در ورطه افراط در عشقهای جسمانی و نقصان ارزشهای روحانی غوطه وراست • احبا باید بقدر امکان این مسئله را درک کرده و بکوشند در سطحی بالاتر از همگان خود که پیش از اندازه و صرفاً به جنبه های

جسمانی وصلت پرداخته و نمونه بارز انحطاط در طول  
 ادوار تاریخ بشری هستند قرار گیرند و باید کوشش کنند  
 که بموازات روابط طبیعی و مشروع زندگی زناشویی  
 رشته های عمیق دوستی و عشقی ابدی را بر اساس  
 حیات روحانی استوار نمایند . این یکی از مبادی  
 است که اهل بها باید در آن سرمشق قرار گیرند و نمونه  
 یک زندگی حقیقی انسانی را راهنما باشند و بدانند که  
 مقام روح انسان بلند است و جسم وسیله ای است از  
 برای تجلی روح تابناک او . لازم بتذکریمست که این  
 مطالب هیچگونه منافاتی بایک زندگی کامل و طبیعی  
 جنسی در چهارچوب مشروع ازدواج ندارند ( ترجمه )  
 و نیز حضرت ولی امرالله در پرزقومه مؤرخ سیزده  
 دسامبر ۱۹۴۰ خطاب بیکی از احمای الهی میفرماید :  
 " در جواب سؤال شما مبنی بر اینکه آیا غیر از زناشویی  
 نمونه مشروع دیگری در مورد استفاده از غریزه جنسی  
 وجود دارد باید گفت بنا بر تعالیم بهائی هیچگونه  
 رابطه جنسی مشروع و جایز نیست مگر از راه انجام  
 مراسم قانونی ازدواج بین زوجین و در چارچوب زندگی  
 زناشویی . روابط دیگر نه مشروع است و نه مفید برای  
 سلامت بدن . جوانان بهائی باید از طرفی در رعایت

خودداری و تسلط بر نفس را که بدون شك اثر سودمندی  
بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت آنها خواهد داشت  
فرا گیرند و از طرف دیگر باید توصیه شوند که پیمان  
زناشویی را در جوانی و در بحبوحه نیروی جسمانی  
برقرار سازند . بدون تردید عوامل اقتصادی اغلب در  
راه ازدواج جوانان مشکلاتی ایجاد میکند و لسی در  
بیشتر موارد بهانه ای بیش نیست و بنابراین نباید  
زیاد بدان اهمیت داد " (ترجمه )  
(آمنگ بدیع - مهر و آبان ۱۳۵۲ صفحات ۸ و ۷)

ازدواج سبب همفکری و همکاری و رشد

شخصیت زوجین است

-----

اتحاد و صفا و ارتباط واقعی که ایده آل ازدواج  
بهائی است قابل دوام و بقا نخواهد بود مگر بقوای  
اعجاز انگیز وفا و محبت ، ثبوت و استقامت ، عفت و  
عصمت ، گذشت و فداکاری ، مشورت و تبادل نظر ،  
نظم و ترتیب ، همفکری و همکاری و سادگی و همبستگی .  
لذا زوجین باید بکوشند که با صبر و بردباری و همکاری  
و همفکری مشترکاً به حل مشکلات زندگی بپردازند و  
حیات روحانی و جسمانی یکدیگر را ترقی دهند .

حضرت عبدالهها<sup>۱</sup> جلّ ثنائه میفرماید :

"زن و مرد باید فی الحقیقه رفیق باشند .  
 غمخوار یکدیگر باشند . موافقتشان از روی حقیقت باشد  
 نه از روی شهوت و هوی و هوس . اگر اینطور باشد چند  
 سالی زندگانی میکنند و بعد اختلافی واقع میشود . باید  
 مانند یک جان در دو جسم باشند . هیچ فرقی در میان  
 نباشد . در راحت همدیگر بکوشند و بهمدیگر معاونت  
 کنند . " انتهى

( جزوه<sup>۲</sup> هدیه ازدواج صفحه ۸ و نیز گنجینه حدود و  
 احکام صفحه ۵۲ )

و نیز میفرماید : " در این امر حیات عاقله باید  
 مثل حیات ملائک سما<sup>۳</sup> باشد . روحانیت و سرور باشد .  
 اتحاد و اتفاق باشد . موافقت جسمانی و عقلانی باشد .  
 خانه منظم و مرتب باشد . افکارشان مانند اشعه های  
 شمس حقیقت و ستاره های روشن سما<sup>۴</sup> باشد . چون دو  
 مرغ بر شاخسارهای شجر وحدت و یگانگی بسرایند .  
 همیشه پرفرح و سرور باشند و سبب سرور قلب دیگران  
 شوند . برای دیگران سرمشق باشند . برای یکدیگر  
 محبت<sup>۵</sup> میمیی حقیقی داشته باشند . اطفال خود را  
 خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتها<sup>۶</sup> ر عاقله



گردد " انتهى •

( جزوه هدیة ازدواج صفحات ۸ و ۹ و نیز گنجینه

حدود و احکام صفحه ۵۲ )

و نیز میفرمایند : " ۱۰۰۰ ای دو مؤمن بالله خداوند

بیماند زن و مرد را آفریده که بایکدیگر در نهایت

الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم يك جان

داشته باشند • زن و مرد دو رفیق ایس هستند که

باید در غم یکدیگر شریک باشند چون چنین باشد در

نهایت خوشی و آسایش دل و جان در این جهان

زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی

گردند و الا در غایت تلخی عمر بسر برند و مردم آرزوی

مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند •

پس بکشید که بایکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان آمیزش

دل و جان نمائید • این است خوشبختی در دو جهان "

انتهی ( هدیة ازدواج — صفحه ۹ )

و نیز میفرمایند : " ۱۰۰۰ احبای الهی باید نوعی

روش و سلوک نمایند و حسن اخلاق و اطوار بنمایند که

دیگران حیران مانند • زوج و زوجه باید الفتشان

جسمانی محض نباشد بلکه الفت روحانی و ملکوتی

باشد • این دو نفس حکم يك نفس دارند • چقدر مشکل

است يك نفس از هم جدا شود • مشقات و مشکلات عظیمه  
 رخ دهد • باری اسائن ملكوت الهی الفت و محبت  
 است • اتحاد است نه اختلاف • علی الخصوص بهین  
 زوج و زوجه اگر سبب طلاق یکی از این دو باشد البته  
 در مشقات عظیمه افتد و بهو حال عظیمی گرفتار گردد و  
 بی نهایت نادم و پشیمان شود " انتهى (هدیه ازدواج صفحه ۲)

و همچنین میفرمایند: " انسان باید بهر قیام  
 نماید و ثبوت و استقامت بنماید علی الخصوص بقربین و  
 همشین خویش و همدم و قرین خود • زیرا حقوق درین  
 این دو قدیم و محکم و متین است و انسان آنچه بکوشد  
 از عهده اکمال بر نیاید " انتهى (هدیه ازدواج ص ۱۰)

### انتخاب همسر

جلوه وحدت و بیکرنگی و خوشبختی که لازمه و  
 ثمره ازدواج بهائی است در صورتی امکان پذیر است  
 که بهنگام انتخاب و قبول همسر و شریک زندگی از طرف  
 دختر یا پسر مسائل مهمی از قبیل وجود محبت و عشق  
 واقعی — تناسب اخلاق و رفتار — همفکری — میل و  
 اشتیاق به ترقی و کمال واقعی مورد توجه کافی قرار  
 گیرد •

مضمون بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء در  
خصوص انتخاب همسر و تشکیل عائله که خطاب بیکی  
از احباب هنگام مراجعت او با امریکا بیان فرمودند  
ذیلا نقل میگردد •  
(از جزوه هدیة ازدواج صفحات ۱۲ الی ۱۶)  
حال که با امریکا مراجعت میکنی باید در فکر  
گرفتن زوجه ای برای خود باشی • باید دختری را  
انتخاب کنی که شایسته و قابل هدفهای معنوی و  
روحانی تو باشد او باید عاقل و باهوش باشد آرزومند  
کمال باشد به جمیع مسائل مربوط به زندگانی تو علاقمند  
باشد و در جمیع مراحل حیات یار و شریک تو باشد •  
رفیقی شفیق باشد دارای قلبی مهربان و سرور انگیز  
باشد • آنگاه تو باید خود را فدای سعادت او نمائی  
و او را با عشقی روحانی و زائد الوصف دوست بداری •  
مرد قبل از انتخاب زوجه باید با متانت و هوشیاری  
و بطور جدی فکر کند که این دختر در تمام مراحل  
زندگی یار او خواهد بود • ازدواج یک امر موقتی  
نیست • او روحی است که باید در تمام ایام حیات با او  
همدم و مأنوس باشد قرینه و محرم صمیمی او شود  
لهذا باید روز بروز محبت و انس و الفت ایشان نسبت

بهم زیاد تر شود .

قویترین حلقه ای که قلوب زن و شوهر را بیکدیگر متحد مینماید صداقت و وفا داری است . هر دو باید صداقت و وفاداری را بمنتهی درجه نسبت بهم مجری دارند و نگذارند ذره ای رشک و حسادت در بین ایشان نفوذ کند زیرا این حسادت چون سعی است که ریشه محبت را فاسد مینماید .

زن و شوهر باید معلومات خود و استعدادات خود و جسم و جان خود را در مرحله اول به حضرت بهاء الله و سپس بیکدیگر نثار نمایند . باید افکارشان عالی و آمالشان نورانی و قلوبشان روحانی و ارواحشان مطلق انوار شمس حقیقت باشد . نباید بجهت اتفاقات و تصادفات فانی این زندگی تغییرپذیر نسبت بهم بدین شوند و خلق تنگی نمایند . قلوبشان باید وسیع و منشرح و بوسعت جهان الهی باشد . هر وقت اختلاف نظری بین ایشان تولید شود باید بمنتهی درجه سعی نمایند که آنرا بین خود حل کنند و نگذارند خبر آن بخارج سرایت کند زیرا مردم مستعد هستند که ذره صغیر را جبل کبیر نمایند . و نیز هرگاه بعلت بهمش آمدی رنجشی از یکدیگر حاصل نمود نباید آنرا

در دل نگاهدارند بلکه بالطبع باید آنرا برای یکدیگر شرح و توضیح دهند و کوشش کنند هر چه زودتر این نفاق و کدورت برطرف شود • باید یگانگی و یاری را بر حسادت و ربا ترجیح دهند و مانند دو آئینه صافی باشند تا انوار ستارگان محبت و جمال را در یکدیگر منعکس سازند •

شما باید تصورات و افکار عالی و آسمانی خود را بیکدیگر بگوئید هیچ امر مخفی در بین خود نداشته باشید خانه خود را محل راحتی و صفا نمائید مهمان نواز باشید و در منزل خود را بروی آشنا و بیگانه باز گذارید • سرتازه واردی را با روشی متبسم استقبال کنید و خوش آمد گوئید و طوری با ایشان رفتار نمائید که احساس کنند که در خانه من هستند •

خداوند چنان اتحاد و اتفافی بین زن و شوهر خلق نموده است که هیچ کس نمیتواند در این دنیا بالاتر از این اتحادی را تصور کند • شما باید دائماً شجر الفت و اتحاد خود را با آب علاقه و محبت آبیاری نمائید تا در تمام فصول زندگانی سر سبز و خرم ماند و شیرین ترین اثمار را برای شفای آلام ملل و اقوام به بار آورد •

خلاصه شما دو نفر باید طوری زندگانی نمائید که خانه شما جلوه ای از ملکوت الهی شود تا هر کس قدم گذارد روح صفا و نزهت را احساس نماید و بی اختیار فریاد برآورد که اینجا خانه محبت است اینجا کسب محبت است اینجا آشیانه محبت است اینجا گلستان محبت است و شما دو نفر چون دو طیر خوش خسوان باید بر روی بلندترین شاخه های شجر حیات بنشینید و فضا را مملو از نغمات عشق و سرور کنید .

تا آنجا که میتوانید سعی نمائید اساس محبت خود را در روح و وجدان خویش مستقر سازید نگذارید که این اساس متزلزل گردد .

وقتی که خداوند بشما اطفال شیرین و نازنین عطا میکند خود را وقف تربیت و تعلیم ایشان نمائید تا گلهای جاودانی گلزار الهی و بلبلان خوش الحان بهشت آسمانی گردند و خادمان عالم انسانی و ائمه شجر زندگانی شوند .

در زندگانی چنان مشی و سلوک نمائید که دیگران آنها نمونه و سرمشق گیرند و با یکدیگر بگویند که به بین چگونه ایشان چون دو کبوتر با عشق و اتحاد و توافق کامل در یک آشیانه مقر یافته اند گوئی که

خداوند حقیقت وجودشان را از ازل برای دوست داشتن  
 یکدیگر سرشته است • وقتی که چنین حالتی وجود  
 داشت و چنین آمال و هدفهایی اختیار شد آنوقت  
 از حیات جاودانی سهم بزرگی نصیب برده اید و از سرچشمه  
 حقیقت نوشیده اید و ایام خود را در بهشت شکوه و جلال  
 در جمع آوری ازهار اسرار الهی صرف نموده اید • نسبت  
 بیکدیگر چون عاشقان الهی و حبیبان معنوی باشید  
 حیات خود را در بهشت محبت بگذرانید آشیانه خود  
 را بر روی شاخه های پر برگ شجر محبت بنا کنید در  
 فضای باصفای محبت پرواز کنید در بحر بیکران محبت  
 شنا کنید در گلزار جاودان محبت مشی کنید در ظل  
 اشعه تابان شمس محبت حرکت کنید در طریق محبت  
 ثابت و مستقیم باشید مشام خود را با نفعه جانبخش  
 ازهار محبت معطر کنید گوشه های خود را به آهنگهای  
 روح نواز محبت آشنا کنید از شراب محبت بنوشید  
 سرمست شوید بگذارید تا آمال و افکار شما چون  
 دسته ای از گل های محبت و سخنان شما چون بحر  
 محبت باشید انتهی " •

بیانات مبارکه فوق حاوی نکات مهمه ای در خصوص شرایط انتخاب همسر و تشکیل عائله بهائی از جمله موارد زیر است .

عشق و محبت

محبت پایه ای مهم در ازدواج بهائی و انتخاب همسر است . حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید " و نیز میفرماید :

" فیضی در عالم وجود اعظم از حب نیست اینست آیت کبری اینست امانت عظمی ... "

در آثار مبارکه دیانت مقدس بهائی محبت مقامی بس والا و بلند دارد چه که اصولاً عالم وجود بر اثر محبت و جاذبه بین عوامل تشکیل دهنده آن ایجاد شده و پابرجا مانده است و از نظر علمی همواره کشش و جاذبه علت ترکیب و حیات است و عدم آن دلیل بر تجزیه و معات . پس واضح است که اشعه تابناک محبت باید از آغاز بر روابط زن و شوهر پرتوافکن گردد تا تجزیه را در جمع بر لطف و محبت ایشان راهی نباشد و روز بروز بر قوت و استحکام پیونددشان افزوده گردد .



## ازدواج با جنس بعید :

در دیانت بهائی ازدواج با جنس بعید تشویق و تأیید شده است چه که ازدواج هرچه با جنس دورتر باشد اطفال سالمتر و خوش سیما تر و باهوش تر خواهند بود و این مطلبی است که در علم طب باثبات رسیده است . در این مورد حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" در ازدواج حکمت الهیه چنان اقتضا مینماید که از جنس بعید باشد یعنی بین زوجین هر چند بعد بیشتر سلاله قویتر و خوش سیما تر و صحت و عافیت بهتر گردد و این در فن طب نیز مسلم و محقق است و احکام طبیه مشروع و عمل بموجب آن منصوص و فشرح . لهذا تا تواند انسان باید خویشی جنس بعید نماید " انتهى . (گنجینه حدود و احکام صفحه ۷۰)

و نیز میفرماید : " در اقتران هرچه دورتر موافق تر زیرا بعد نسب و خویشی بین زوج و زوجه مدار صحت بنیه بشر و اسباب الفت بین نوع انسانست . " انتهى (گنجینه حدود و احکام صفحه ۷۰)

## تربیت فرزندان مؤمن و خدوم :

مطلب مهم دیگری که باید در هنگام انتخاب

زوج یا زوجه مورد مورد توجه دختر و پسر بهائی باشد  
 آنستکه بر اساس فرمودهٔ جمال اقدس ابهتی هدف  
 اصلی ازدواج بهائی آنستکه فرزندان مؤمن و خدوم  
 و ناطق بنام او و عامل بتعالیمش جامعه انسانی  
 تحویل گردند . در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند :  
 " تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من ینکرنی بین عبادی "  
 بدین ترتیب چنین بنظر میرسد که اگر زوج یا زوجه  
 از زبور ایمان و عمل بتعالیم الهیه بی بهره باشد  
 تربیت و پرورش فرزندان مؤمن و خدوم کاری شاق و  
 احياناً غیر ممکن خواهد بود .  
اشترک در عوالم روحانی :

لازمهٔ رسیدن باین هدف اعلی یعنی تربیت  
 اولاد مؤمن و خدوم آنستکه زوج و زوجه در احساسات  
 و ادراکات روحانی و معنوی دارای افکار و آمال مشترک  
 باشند و حاضر باشند که معلومات و استعدادات و  
 ذوق و سعادت خود و مقام و مرتبه و جسم و جان خود  
 را در درجهٔ اول بحضرت بهاء الله و سپس بیکدیگر  
 نثار نمایند تا بنا بر خواست و توصیه حضرت عبدالبهاء  
 خانه ایشان جلوه ای از ملکوت ابهتی شود .  
 هرچه قلب و فکر و روح زن و شوهر از نظر

احساسات روحانی و اعتقادات و ایده‌آلهای معنوی  
والهی بهم نزدیکتر و تفاهم و تعاضد در این زمینه  
ما بین آنان قویتر باشد فرزندان ایشان بیشتر و بهتر  
به عظمت وجود باری تعالی و بواقعیت نبوت و رسالت  
مناهرالهیّه و به حقایق رسالت جمال اقدس الهی  
و قوت و ضرورت تعالیم جهان آرایش پی خواهند برد  
و به خدمت در سبیل این آئین نازنین و اشاعه و  
ترویج این تعالیم بین جهانیان نائل خواهند آمد  
و در راه استقرار ملکوت الله در روی زمین کوشش  
خواهند بود و بنا بفرموده مرکز میثاق الهی گلهای  
جاودانی گلزار الهی و بلبلان خوش الحان همیشه  
آسمانی — و خادمان عالم انسانی و اثمار شجرزندگانی  
خواهند گردید .

لزوم اشتراك در عوالم روحانی مطلبی است كه  
باید در هنگام انتخاب همسر مد نظر هر جوان عزیز  
بهائی باشد .

ازدواج در سنین جوانی :

مطلب دیگر آنكه ازدواج در سنین جوانی  
بسیار مطلوب و پسندیده است . حضرت عبدالبهاء  
میفرماید : " تأسیس عائله خیلی مهم است تا انسان

جوان است از غرور جوانی ملتفت نمیشود ولی چون پیر  
شد افسوس میخورد " انتهى " .

ازدواج در سنین جوانی سبب عفت و عصمت و  
پاکدانی میگردد و زندگی فرد واجتماع را از خطا و  
انحراف ممنوع میدارد . چون زن و شوهر جوان قسمتی  
مهم از سنین شکل گیری عواطف و احساسات و ادراکات  
و شخصیت را در کنار یکدیگر میگذرانند این امر طبعاً  
بتکامل و یکپوشی و هماهنگی افکار و ادراکات و ایده آلهای  
ایشان کمک بسیار میکند و این هماهنگی احساسی و  
ادراک سبب خوشبختی و تفاهم بیشتر میگردد . اشتراك  
مساعی زن و شوهر بمنظور ترقی حیات روحانی و جسمانی  
یکدیگر یکی از خصوصیات ازدواج بهائی است . این  
همکاری و همفکری مشترك اگر از سنین جوانی که هنوز  
فرد آمادگی و استعداد بیشتری برای تکامل دارد آغاز  
گردد نتایج و ثمراتش عظیمتر خواهد بود .

ازدواج در سنین جوانی را میتوان به پیوند  
بین دو نهال تر و تازه بهاری تشبیه نمود . زوج و  
زوجه جوان بمنابه نهالهای تر و تازه و سالم هستند  
که چون بین ایشان پیوندی مناسب به دستورات باغبان  
دانا انجام پذیرد بر بارتر و شادابتر میشوند .

این چنین شجر برومندی مصداق بیان مبارک حضرت  
عبدالیهاب<sup>۱</sup> خواهد بود که میفرمایند :

" این دو نفس حکم یک نفس دارند و چقدر مشکل است  
یک نفس از هم جدا شود " .

( هدیه ازدواج صفحه ۱۰ )

### آرزومندی کمال :

از جمله شرایط دیگری که حضوت مولی السوری  
ارواح خاندان برای انتخاب همسر ذکر میفرمایند  
عبارتست از اینکه زن و شوهر باید شایسته و قابل  
هدفهای معنوی یکدیگر و آرزومند کمال بوده  
باشند .  
بمسائل مربوط به زندگی یکدیگر علاقمند و مشتاق باشند .  
در این صورت هر یک خواهد کوشید که استعدادات موجود  
در وجود دیگری را کشف نماید و او را به پیشرفت و  
تکامل و پرورش توانائیهای خویش تشویق و تشجیح کند .  
بدین ترتیب این دو نفس خواهند توانست حیات روحانی  
و جسمانی یکدیگر را ترقی دهند . در این صورت است  
که ازدواج نقشی بالاتر از یک زندگی مشترک خواهد  
داشت بلکه خود وسیله ای مؤثر و قوی برای ترقی و  
پیشرفت و پرورش زوجین خواهد شد و به زندگی شیرین  
ایشان هدف خواهد بخشید .

### قلوب مهربان و سرور انگیز:

شرط دیگری که برای ازدواج بهائی ذکر شده است آنکه زوج و زوجه باید دارای قلوب مهربان و سرور انگیز باشند. اصولاً یکی از خصائصی که برای فرد بهائی ذکر شده است سرور و نشاط است. در سفرنامه مسطور است "بهد فرمودند: "تو باید همیشه مسرور باشی و با اهل انبساط و سرور محشور و با اخلاق رحمانی متخلّق زیرا سرور مدخلیت در حفظ صحت دارد و از کدورت تولید امراض شود. آنچه مایه سرور دائمی است روحانیت است و اخلاق رحمانی که حزن سی در پی ندارد. اما سرور جسمانی در تحت هزار گونه تخمیر و تبدیل است".

مهربانی و شادی بزندگی رنگ و جلا و صلح و صفای بخشد و آنرا از بلاهای خمودت و جمودت و سردی و افسردگی میرهاند. قلوب مهربان و سرور انگیز و همسر همچون دو آئینه روشن و مصفا و بی غبار هر یک در دیگری نور و حرارت خورشید صلح و صفا و نشاط را منعکس خواهد ساخت و این انعکاسات مکرر چون انعکاس آئینه در آئینه زندگی مشترک ایشانرا مکرر انور افشان و پر حرارت خواهد ساخت.

## انتخاب برای تمام ایام حیات :

بر اساس نصوص مبارکه ازدواج بهائی يك امر  
موقتی نیست بلکه وحدتی است ابدی بین زن و مرد  
این مطلبی است که از هنگام انتخاب همسر باید مد  
نظر قرار گیرد چه بنا برموده حضرت عبدالهی  
" این دو نفر در کلیه مراحل زندگی یار و یاور یکدیگر  
خواهند بود " حضرت مولی‌الوری در مورد ازدواج  
بهائی میفرماید :

" این روابط روحانی است و اتحاد ابدی است "  
و نیز : " ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیث  
روح و جسم مرد و باشد آن وحدت حقیقی است لهذا  
ابدی است "

شرط این ابدیت در ازدواج آنستکه زن و  
شوهر نیازهای روانی و روحانی و جسمانی یکدیگر را  
بخوبی درک کنند و در ارضای آن و تکامل شخصیت  
یکدیگر بکوشند . لذا ازدواج بهائی باید ارتباط  
جسمانی و روحانی مرد و باشد چه میفرماید :  
" اگر اتحاد، مجرد از حیث جسم باشد البته آن  
موقت است. "

سادگی:

شایسته است که اولیای بهائیان با فراهم آوردن امکانات و وسایل لازم فرزند آن خویش را به ازدواج در سن جوانی و بر اساس تعالیم و دستورات الهیه ترغیب و تشویق فرمایند .  
 این امر از جمله مستلزم آنست که خانواده های محترم از تشریفات زائد و غیر لازم مخارج اضافی و غیر ضروری که سبب ضعف قوه مالی خانواده جدید التاسیس و بروز مشکل و اختلاف نظر از ابتدای امر خواهد شد چشم پوشند تا مشکل مالی سد بزرگی را در راه اقدام باین امر مقدس نگردد .

عشق و ازدواج نقل از کتاب دستور العمل برای

زندگی بقلم حضرت حرم، روحیه خانم

ترجمه لجنه ملی ترجمه آثار امری

ما افراد بشر موجودات منفرد خلق نشده ایم .  
 تمام دوران حیات ما متکی بر یک رشته روابط و علاقاتی است که با سایر افراد بشر داریم و حصول کمال در عالم امکان به تنهائی و بالاستقلال برای هیچ فردی از افراد میسر و ممکن نیست . ما چون طبیعتاً مانند زنبور عسل و مورچه و حیوانات نظیر آن اجتماعی خلق شده ایم برای هیچیک از ما ممکن نیست صفات و اخلاق ذاتی خود را مانند یک واحد مجزائی پرورش



و تکمیل نمائیم • کشیش و صوفی و یا مرتاضی که عمر خود را بدون ابراز خستگی در طلب طریق نجات صرف میکند و با ترك لذات و مواهب زندگی و تحمل ریاضات و مددات جسمی تکمیل نفس مینماید راهی غلط می بینماید چنین فردی سعی میکند برخلاف سیر طبیعی حرکت نماید زیرا ترقی و تعالی افراد هر يك از انواع موجودات که بحال اجتماع زندگی میکنند بر اساس تعاون و تعاضد و رقابت و تشویق و تحریض و استفاده از تجربیات اقربان و امثال خویش استوار است • بنابراین قسمت اعظم طریقی را که باید در سبیل ترقی و تکامل شخصی به بینماید قهراً با زندگی کسانی که با آنها معاشریم ارتباط دارد و طرز رفتار ما با آنان و طریقه رفتار متقابل آنها نسبت به ما در اخلاق خود ما مؤثر بوده و در اصلاح یا افساد آن مدخلت کامل دارد • دنیا در اثر تولید و تکثیر نسل پیش می رود • سلولها با طبیعت تقسیم و زیاده میشوند و یا مجتمع شده و تولید مثل مینمایند • انسان هم مانند سایر موجودات زنده تولید مثل میکند روی این اصل ارتباط اساسی و حیات انسانی در عائله و خانواده یافست میشود • دوستی و مودت بین افراد هر قدر رشد و بزرگ

باشد اساس و شالودهٔ جامعه محسوب نمیشود بلکه اساس و معنی واقعی همانا امر ازدواج و زناشوئی است .  
مرد و زن واحد اولیه محسوب و در حول آنان اولاد و منسوبین و آشنایان قرار دارند که تعداد آنان طبعاً رو بهتزايد است بنا براین ضروری ترین اصل در حیات شرفردی از افراد توجه و مبادرت با امر ازدواج است راست است که نفوس همواره متوجه با اهمیت این موضوع بوده اند لکن امر ازدواج هرگز مانند امروز در انظار عموم تا این درجه کسب اهمیت ننموده بود امروز دنیای متمدن در تمایلات جنسی و افراط در این قبیل مسائل و نشریات مربوط به روابط جنسی و سایر عوامل محرکه مستغرق میباشد و بر اثر مبالغه و افراطی که در این امور بعمل آمده مشکلاتی ایجاد شده که راه حل آنها بدست نیامده است بالعکس دایره مشکلات طوری رو بهتوسعه و ازدیاد است که از روی احصائیه های فعلی میتوان پیشگوئی کرد که در ایالات متحده آمریکا تا سال ۱۹۶۵ نصف ازدواج ها بطساق منجر خواهد شد .

بقول یکی از نویسندگان اکنون تعلیم و تربیت با شرح و مرج در مسابقه است . اما طلاق رواجی

بسیار یافته و امراض مقاربتی با وجود پیدایش طرق  
معالجات محیرالعقول پیوسته رو باز دیاد و شدت  
میرود \*

در بسیاری از ملل عظیمه میزان موالید روه تنزل  
و فساد اخلاق رو بتزاید و بدتر و بالاتر از همه روابط  
نامشروع و فحشا\* حتی بطبقات جوانان نوس نیز سرایت  
نموده است \* مسلم است که عیب و نقص بزرگی موجود  
است و این عیب و نقص در جامعه بطور کلی و در روش  
افراد جامعه بطور خصوصی حکمفرما است \*

چندین معلوم میشود که ما افراد بشر برخلاف  
قوانین و نوامیس طبیعی سیر مینمائیم زیرا هرگاه حرکت  
و رفتار ما با این قوانین هم آهنگ و هم عنان بود  
مفاسد موجوده بجهای اینکه روه از دیاد و شدت  
رود رو بنقصان میگذاشت \*

از دو وجهائی را که امروزه در دنیا جاری و  
معمول است بطور کلی میتوان بسه قسمت تقسیم نمود:  
یک قسم که بیشتر در شرق نزدیک و شرق  
اقصی معمول و متداول است عبارت از دو وجهائی  
است که نه فقط بعنوان فریضه اجتماعی نسبت  
بجامعه باید انجام شود بلکه یک امر تقریباً اجباری

و خانوادگی است که اجرای آن در وهله اولی بسته  
بتصمیم والدین است

نوع دوم سبکی است که کم و بیش جنبه اروپائی  
دارد و آن عبارت از ارتباطی است که بعقیده آنها  
اصولاً برای حسن جریان امور جامعه لازم و ضروری  
بوده و باید عقلاً مورد قبول واقع و بارعايت نظر اشخاص  
ذینفع ترتیب و تنظیم یابد و در مورد این ازدواج نباید  
عشق و علاقه زیادی انتظار داشت بلکه طالب این  
عشق و علاقه میتواند آنها در صورت احتیاج در خارج  
بدست بیاورد .

نوع سوم ازدواج را میتوان اسلوب افراطی  
آمریکائی نام نهاد . این نوع ازدواج کاملاً جنبه انفرادی  
و شخصی داشته و بحد افراط (ایدآلی) و عشقی  
میباشد و بیشتر بر مفهوم ظاهری کلمه عشق مبتنی است  
معمولاً مردم چنین تصور میکنند که سعادت و <sup>فعلی</sup>  
نه فقط از طریق ازدواج بدست میآید بلکه چنانچه  
این سعادت از طریق مزبور حاصل نشود ازدواج را  
باید لغو و شرکای دیگری در زندگی جستجو نمود و  
ایتکار را الی غیرالتهایه ادامه داد . خلاصه اینکه  
معتقدند چنانچه طرفین ازدواج از نقطه نظر عشق

رضایت خاطر نماید — نتیجه و مطلوب غائی  
ازدواج بهیچوجه تأمین نگردیده و باید از آن صرفنظر  
نمود .

انواع مختلفه ازدواج که فوقاً ذکر گردید  
البته جنبه کلی و عمومی داشته و باید بهمین قسم  
تاقی شود . بدیهی است مستثنیاتی نیز در این موارد  
در همه جا وجود داشته و درحقیقت میتوان گفت که  
هر ازدواجی فی حدّ ذاته جنبه خاصی دارد لذا  
درعین حال این نکته واضح و مسلم است که سه  
روش و طریقه کلی در امر ازدواج موجود و متداول  
است . یکی طریقه شرقی و آن این است که یک نفر  
شرقی انتظارات زیادی ندارد از ازدواج خویش عشق  
و محبت کامل و با ارتباط معنوی بدست آورد بلکه  
امر ازدواج را یک امر ضروری زندگی تشخیص داده و  
معتقد است که بوسیله آن نام خویش را با سرافرازی  
جاویدان نموده و وظیفه خود را در دوره حیات  
با تقدیم فرزندان به جامعه دنیا ایفا نماید .

شخص اروپائی هم که در باب چگونگی حصول  
سعادت واقعی از طریق ازدواج از جهاتی دچار  
ابهام و اشتباه است و در این انتخاب آزاد تراست

معذک در این قبیل مسائل خیلی معتقد برسوم و عادات  
 بوده و احترام زیادی نسبت بزندگی خانوادگی که  
 آنرا کانون زندگی میدانند قائل است لکن در عین حال  
 از جستجو و کسب لذات در خارج از محیط زناشویی  
 روگردان نیست .

اما امریکائی با ابراز جدیت ناچیز و جزئی انتظار  
 فواید کلی از امر ازدواج داشته انفراداً باین امر  
 اقدام و وقتی بنصایح بزرگان خانواده خود ننهاده و  
 در امر طلاق نیز بعجله و شتاب اقدام مینماید .  
 تصور نمیرود که چنانچه احصائیه ای از ازدواج<sup>جهای</sup>

مقرون بسعادت تهیه شود نتیجه آن حاکی از این  
 باشد که امریکائی مثلاً در امر ازدواج سعادت مند تر  
 از اهالی سیام باشند .

در حقیقت این مسئله موجب حیرت است که امر  
 ازدواج در میان مللی که بنظر ما عقب افتاده هستند  
 بیشتر مقرون بسعادت و خوشبختی میگردد و دلیل آن  
 این است که ازدواج بر مبنای عاقلانه تری استوار  
 میباشد ولی در هر حال ازدواجهاییکه بدون رعایت  
 رشد و سلامت اخلاقی صورت میگیرد در هیچ جای  
 دنیا مورث سعادت و خوشی نمیگردد .

بطور کلی یکنفر شرقی از امر زناشویی که موجبات  
زیادی برای سعادت و خوشی زندگی او در بر دارد  
انتظارات زیادی ندارد در حالیکه امریکائی چون  
برای هر چیز جزئی اهمیت زیادی قائل است انتظارات  
فراوانی از آن دارد .

شرقی ها ازدواج را وسیله ای برای تولید نسل  
میدانند در حالیکه امریکائیها معمولاً چنین تصور  
مینمایند که ازدواج ارتباطی است که منظور از آن تمتع  
جنسی است . هر قدر نفوس زودتر متوجه شوند که نظریه  
اول مبتنی بر حقیقت و قوانین طبیعی بوده و نظریه  
ثانی بیش از حد لزوم برای امر جزئی و ناچیز اهمیت  
قائل میشود بیشتر از نعمت سعادت بهره مند خواهند  
گردید .

شاید موضوعی مناسبتر از امر ازدواج نباشد که  
بدان وسیله بتوان حقایق اساسی را تبیین و تشریح  
نمود . دنیائی که مادر آن زیست میکنیم حواس ظاهره  
و قوای عالیّه معنویه که دارا هستیم مانند حس استفااض  
از زیبایی صورت و رنگ که در آن موسیقی و صنعت  
جلوه گر میشود مواهب عالیّه ای هستند که نه فقط حق  
تمتع از آن را داریم بلکه میتوان گفت که چون این مواهب

اسمتی از حق است که خداوند در وقت تولد بماعطا  
 فرموده تمتع از آن برای ما حتمی و ضروری است. هرگاه  
 دستور نمائیم که بی اعتنائی بمواهب موفوره طبیعت وعدم  
 استفاده از آن دلیل بر تقدیس و انقطاع است و اگر فکر  
 کنیم که با پشت پا زدن به لذات زندگی طریق نجات و  
 فلاح می پیمائیم اشتباه بزرگی را در زندگی مرتکب شده‌ایم  
 حواس ظاهری و باطنی ماتاماً بمنزله ابواب هستند که  
 ما را نه فقط بنحوه زندگانی کاملتری هدایت میکنند  
 بلکه وسایلی میباشند که ما را بمعرفت زندگانی و بصیرت  
 معنوی بیشتر آشنا میسازند. لکن حواس هم باید مثل  
 سایر عوامل شریک در جای خود بنکار رفته و وظایف  
 معینه خویش را انجام دهند. اگر شخصی دارای حس  
 شدید ذائقه و شامه بوده و ذوق زیادی برای  
 شنیدن نغمات موسیقی داشته باشند چشم او در زیبایی  
 و تناسب و الوان لذت برد و دارای احساساتی شدید  
 و عواطفی لطیف باشد و یا فکرش در رشته ادبیات  
 و علوم سیر نماید و از آن مستفیض و محظوظ گردد نه‌ایسد  
 چنین نتیجه گرفت که این شخص در درهای لذات و  
 مادیات منهدم است. بالعکس این کیفیت نشان میدهد  
 که این شخص قوی و استعدادات خداداد خود را



پرورش داده و از آنها استفاده کرده است لکن همینکه آن شخص به پرخوری پردازد و با هدف خود رادرنزدکی ارضای خواهشهای نفسانی خویش اعم از شهوانی و فکری یا غیره قرار دهد همان وقت است که از مواهب موعده در خویش سوء استفاده نموده و مانع از تکامل روح خود میگردد. همانطوریکه ریاضت اصولاً امری غیرطبیعی و مبنای آن غلط است بهمان نحو افراط در آزادی نیز خطا بوده و زیان آن نسبت به فطرت انسانی به مراتب زیادتر است زیرا اگرچه امساک و ریاضت از امور مشرّه محسوبند ولی افراط نیز از لحاظ اثر و نتیجه به مراتب بدتر و زیان آورتر است.

هیچ عاملی در زندگی بقدر فقدان اختیار در مسائل جنسی مهم و برجسته نیست. مردم ظاهراً چنین تصور میکنند که التذاذ از غریزه جنسی خویش که آنها بحدّ افراط پرورش داده اند حق مسلم آنان بوده تنها راه وصول به سعادت و بزرگترین لذّتی است که در زندگی برای آنان مقدّر شده است. تعدّن غرب در کلیه شئون از قبیل تألیفات و مضموعات پس از آن قصص و حکایات عشقی سست و بی معنی و صنعت فیلمبرداری و مدهای لباس و آرایش و اعلانات

و اعمال روزمره و بطور کلی در سایر شئون اجتماعی امور جنسی را مورد توجه و جلوه خاصی قرار میدهد و در نتیجه میتوان گفت که شعار عمومی این است که انسان برای کسب لذت جنسی خلق شده و این حق مسلم است که باید در طلب آن بکوشد • مع الاسف مشاهده میشود که مردم نیز بدون چون و چرا این فکر سخیف غرب را قبول و از آن پیروی میکنند و حاصل آن امراض و فساد اخلاق و طلاق است که روز بروز در تزايد و توسعه میباشد •

بعضی ملل هستند که ازدواج شرعی و عرفی هر دو را اجرا میکنند در حالیکه ملل دیگر هیچ ملک و مأخذی را قائل نیستند " مگر بگوئیم آزادی کامل ملک عمل است " بعضی از ملل اطفال غیر شرعی را قانونی دانسته و مادر طفل را مجرم و بدنام نمی شمارند مللی نیز وجود دارند که تولید اطفال غیر شرعی را بنا بر سیاست کشور خود تشویق و آن اطفال را در مؤسسات دولتی پرورش میدهند • با چنین اوضاع و احوال شک نیست که امر ازدواج سریعاً رو به فساد و خرابی میرود • اظهار این مطلب که انسان مانند حیوان باید از غرایز طبیعی خود پیروی کرده باین وسیله زندگی سالمی

برای خویش تا این نماید کاملاً بی‌مورد است .  
 البته انسان حیوان نیست و غرائز انسانی از غرائزی  
 که محرك حیوانات بیشتر است بحدی متمایز و مجزئ  
 است که تبعیت از غرائز حیوانی نه فقط برای انسان  
 غیر ممکن بلکه مضر و خطرناک است حیوانات تحت  
 تأثیر غرائز طبیعی قرار گرفته و اعمال و حرکاتشان نیز  
 ناشی از همان غرائز است و حال آنکه در انسان چنین  
 نیست زیرا انسان دارای مواهبی مانند آزادی اراده  
 و درک معنویات و تزئید عواطف بمدد قوای فکری بوده  
 و این مواهب نیروی عظیمی در او تولید نموده که باید  
 تحت اراده و نظم درآید و بطوریکه اکنون مشاهده  
 میشود بی‌مورد مصرف نگردد .

اعلیٰ ثمره روح انسان قابلیت و استعداد  
 است که برای ابراز محبت در او بوجود آمده . محبت  
 نه فقط قویترین قوه جاذبه در جامعه انسانی است  
 بلکه یگانه عامل امتزاج دائمی و تنها قوه ممکنه  
 است که میتواند بین مردم ایحاد اتحاد نموده و  
 بوسیله اتحاد نظم و محیطی بوجود آورد که زندگی  
 انسانرا به عالیترین و بهترین وجهی اداره نماید .  
 تمایلات جنسی بدون محبت از مقام حقیقی

انسان می‌کاهد آنچه که در مورد حیوان گناه نیست و فقط عملی را بصرافت طبع و معصومانه بنا بمقتضیات طبیعت و بجهت تکثیر نوع انجام میدهد در مورد انسان گناه محسوب میگردد بدلیل اینکه يك چنین عملی مادون شأن انسان بوده روح او را خفیف نموده و مرتبه پست تر از حیوان تنزل میدهد • زیرا انسان واقف باعمال و حرکات خود بوده در عین حال طالب لذتی است که پست و صرفاً دارای جنبه شهوانسی است • هرگاه مشاهده شود که حیواناتی با هم آمیزش کنند بدون اینکه بتولید نسل منجر گردد ما از این عمل شهوانی حیوان متعجب و متفکر میشویم در حالیکه افراد بشر از لحاظ افراط در تمایلات جنسی هزارها ر از حیوان حریص تر بوده و معذک برای این عمل انسان شرم و وحشتی احساس نمیشود بالنتیجه نفوس از سعادت و خوشی بهره نبرده و ازدواجها نیز بالتطبع رضایت بخش نبوده و منجر بطلاق میگردد • چنانچه در امر مهمی مانند تمایلات جنسی جسم و روح را بهیچوجه مورد توجه و اعتنا قرار ندهیم باینمعنی که جسم را در مشتیهیات و افراط در امور شهوانسی حتی بیش از حیوانات آزاد گذاریم و روح را در روابط

جنسی مدخلیت نداده و از آن استفاده محروم سازیم  
 چگونه میتوان انتظار داشت که ازدواج مقرون بسعاد  
 گردد و مرگاه امر ازدواج که اساس و شالودهٔ جامعه  
 محسوب میشود متزلزل باشد و مقصود و منظور خود را  
 انجام ندهد چگونه ممکن است سایر ارتباطاتی که از  
 آن منشعب میشود از قبیل روابط والدین و اولاد و  
 برادران با خواهران و اقوام و آشنایان با یکدیگر  
 رضایتبخش بوده و آنان سهم خود را در ایجاد سعادت  
 و خوشی در سراسر زندگی ایفا نمایند • اکنون به نکتهٔ  
 باریک دقیق مطلب میرسیم که آن عشق است • دکتر  
 انکسیس کلرل طبیب عالی مقام و متفحص نامی و برنده  
 جایزهٔ نوبل در چند جمله مختصر اهمیت کامل عشق  
 را در روابط انسانی در شئون مختلفه بیان میکند •  
 ماهنوز چنانکه باید و شاید باین نکته پس  
 نبرده ایم که عشق امری است لازم و ضروری نه تفریحی  
 و تفتنی عشق تنها معجونی است که زن و شوهر و اولاد  
 را با یکدیگر متحد میسازد و نیز تنها قوهٔ ایست که  
 میتواند افراد یک ملت را از فقیر و غنی و ضعیف و قوی  
 و کارفرما و کارگر با هم مرتبط نماید • اگر مادر داخل  
 خانه عشق و محبت نداشته باشیم چطور میتوانیم آنرا

در جای دیگر بدست آوریم • همانطور که عقل و هوش و ترشحات داخلی بدن برای صحت ما لازم است بهمان نحو محبت نیز برای ما ضروری است • روابط و علائق انسانی اگر از عشق سرچشمه نگیرد هرگز رضایتبخش و مطلوب نخواهد بود • دستور اخلاقی را که میگویند (یکدیگر را دوست بداریم) میتوان یکی از قوانین اساسی لن بتغییر طبیعت محسوب داشت •

حضرت عبدالبهاء همین موضوع را با بیانی صریحتر تشریح میفرماید قوله عزّ بیهانه •

"المحبة هی الروابط الضرورية المنبعثة من حقائق عشق الاشياء بايجاد الهی • المحبة هی وسیلة السعادة الكبرى فی العالم الروحانی والجسمانی • المحبة هی نور یتمدی به فی الغیاب اللّلمانی • المحبة هی الرابطنین الحق والخلق فی العالم الوجودانی • المحبة هی سبب الترقی لکل انسان نورانی المحبة هی التأمیر الاعظم فی هذا الکور العظیم الالهی • المحبة هی النظام الوحید بین الجواهر الفردیة بالترکیب والتدبیر فی التحقّق المادی • المحبة هی القوة الکلیة المغناطیسیة بین هذه الشیارات والنجوم السانحة فی الاوج العالی المحبة هی سبب انکشافات الاسرار

المودعه فی الكون بفكر ناقب غير متناهي • المحبة هي  
روح الحيات لجسم الكون المتباهي • المحبة هي سبب  
تعدن الامم في هذا الحياة الفاني • المحبة هي  
الشرف الاعلى لكل شعب متعالى •

حال به بينهم که اهميت عظمت عشق تا اين پايه  
برای چیست • برای این است که خداوندی که ما را  
خلق فرموده خود منبع عشق و محبت است • این  
کيفيت در جميع موجودات سرايت و نفوذ نموده است •  
آن قوه که ذرات را بیکدیگر مرتبط میسازد و نیروی  
جاذبه نامرئی که کرات دوار را در مدار خود نگاه  
میدارد، خاصیت ترکیب مواد، مناظر زیبا و دلفریب  
گلها که خود را برای قبول تلقیح و تولید حیات جدید  
در روی زمین حاضر و مهیا میسازد، طیوری که لانه و  
آشیانه خود را ساخته و با یکدیگر عشق ورزی میکنند،  
آهوان زیبا و بچه هایشان و مرد و زن و اطفالشان،  
جميعاً انعکاساتی از این صفت ذاتیه خالق یعنی  
عشق و محبت هستند •

منگامی که عشق و محبت را با جاذبه جنسی در  
جای مناسب خود یعنی در خانه جمع کنیم آنوقت  
است که سرچشمه سعادت و قدرت پدیدار راه یافته

و میتوانیم از آن استفاده نمائیم • رابطه جنسی میتواند عشق و محبت را تقویت نماید چنانکه محبت هم میتواند رابطه جنسی را بمراتب عالیتر و جانیت برساند و در این حال موجبات نشاط و لذت جسم و جان هر دو فراهم میگردد •

امرازدواج را باید از نقطه نظر ارتباط آن با فرد و اجتماع مورد مطالعه دقیق قرارداد • وقتی میتوان از شیئی حداکثر استفاده را نمود که از کیفیات و جزئیات آن مطلع گردید •

اصولاً امر ازدواج باید يك رابطه دائمی تلقی شود زیرا محتمل است علاقه شریک زندگی شما بیش از سایر خویشاوندان و اقوام دوام و بقا یابد • معمولاً پدر و مادر شما قبل از شما خواهند مرد • اطفال شما بزرگ شده زندگانی علیحده برای خود تشکیل خواهند داد و برادران و خواهران و دوستان شما خویشاوندانی در زندگی پیدا میکنند که طبعاً بانها خواهند پرداخت لکن شریک زندگی شما یعنی زن یا شوهر شما همیشه مصاحب شما بوده و با شما خواهد بود • درغم و شادی با هم شرکت خواهد داشت • در خانه و اطفال و عواید و تا حد زیادی در خوشیها و تفریحات شریک



و سهیم خواهید بود . در این صورت قبل از اقدام با امر ازدواج باید متوجه این نکات بوده و فکر کنید که آیا شما دو نفر <sup>بخش</sup> می‌توانید تمام این مراحل را بنحوی رضایت با هم طی نمائید یا خیر؟

از امر ازدواج نباید انتظار و توقع خیلی زیاد و یا خیلی کم داشت چنانکه آب هیچوقت از سطح خود بالا تر نخواهد رفت . شما دو نفر تا حدی می‌توانید از وصلت خود نتیجه گیرید که در تأمین موجبات سعادت این امر مهم بذل همت نمائید . اگر شما خود پسر از نقائص بوده و شخصاً بی‌گذشت ، بی‌صبر ، سخت‌گیر ، آبرو مستبد ، ظنین ، کم حوصله و خود خواه باشید انتظار نداشته باشید که اینگونه صفات ازدواج شما را ترین موفقیت و سعادت خواهد نمود و یا اینکه با تغییر همسر خود زندگی و وصلت جدید بیشتر قرین موفقیت و سعادت خواهد شد . امر ازدواج مانندی سایر روابط زندگی یک روتبه و طریقه ایست که از جمله نواقص و معایب ما را تدریجاً اصلاح میکند . این اصلاح غالباً خالی از اشکال نیست و بهمین علت است که در این مورد وجود عشق و محبت از هر مورد دیگر در انتسابات خانوادگی ضروری تر است . عشق و محبت

چون اصولاً قوه ایست الهی و آسمانی؛ وسیله ارتباط و التیام است و مانند جرقه افکار و تمایلات متضاد و حالاً متباین نفوس را بیکدیگر نزدیک و مرتبط میسازد. عشق و محبت جراحاتی را که سهواً و بیاد در مواقع بروز غضب و حسادت و نفرت بر قلوب یکدیگر وارد میآوریم التیام میدهد. يك عامل قوی دیگری بنفوذ عشق و محبت در امر ازدواج علاوه نمیشود و آن عادت است.

خانه مشترك و تماس و ارتباط روزانه شالوده مشتركی در زندگی زناشویی ایجاد نموده و عادت که یکی از قوای مؤثره در زندگی محسوب است زن و شوهر را بیکدیگر متحد و مرتبط میسازد. در حقیقت عادت يك قوه عجیبی است که موجب ثبات و استحکام مهاسی ازدواج میگردد چه اگر احياناً بجبهاتی عشق و محبت به نتیجه مطلوبه نرسد آنوقت است که عادت بخودی خود ممکن است زندگی زناشویی را تا حدی حفظ نماید. دو شرط اساسی در امر ازدواج موجود است شرط اول عفت و پاکدامنی و شرط دوم اولاد است عفت و پاکدامنی که در دنیای امروزه از نادرتین سجایای اخلاقی است عبارت از این است که قوای جنسی انسان که طبیعتاً امری است کاملاً خصوصی و میتواند زبانی و

جلوهٔ بی‌پایان بزرگی شما پیشد حفظ و نگاهداری  
 شود تا بطور شایسته با شریک زندگی و همسر خود  
 یعنی کسیکه در خانه و اولاد و هد و خوب زندگی  
 باشما شرکت دارد مورد استفاده قرار دهید .

لجابت و طهارت روحی و حفظ و شئون انسانی در امر  
 ازدواج در صورتیکه مسبق بعفت و پاکدامنی زن و مرد  
 باشد جلوه و زیبایی آن هزار بار بیشتر است . امید  
 موفقیت چنین ازدواجی نیز بمراتب بیشتر خواهد بود  
 زیرا که طرفین ازدواج در زندگی جدیدی که آغاز  
 میکنند از هر جهت با یکدیگر شریک و سهیم خواهند  
 بود . چون امر ازدواج با این کیفیات صورت گیرد فبق  
 و امتیازی بین زن و شوهر وجود نخواهد داشت و  
 تعالیات شدید جنسی از هیچیک از طرفین ظهور و  
 بروز نخواهد کرد که سعادت ازدواج را برهم زند و  
 بالاتر از همه طرفین ازدواج تعالیات جنسی را در محل  
 صحیح خود بکار میبرند و بجای تحریک احساسات  
 نفسانی وظیفهٔ طبیعی خود را در تعدیل شئون  
 زندگی و تأمین صحت و سلامتی خانوادگی ایفا خواهند  
 کرد . برخلاف نظریهٔ بعضی از نفوس که میگویند

جلوگیری از تعایلات جنسی مضر بصحت بوده و آزادی  
فطری و طبیعی افراد را در این قهیل موارد نقض مینماید  
دکتر کارل چنین میگوید :

" قهیل از ازدواج عفت و پاکدامنی پسندیده تر  
سجایای انسانی محسوب و حصول عفت موقوف بر آن  
است که شخص در سنین اولیه زندگی کسب کمالات  
اخلاقی نماید و این عفت مظهر عالی نظم و انضباط  
در امور شخصی است احتراز و خودداری از مباشرت  
بامور جنسی در طی دوره جوانی از لحاظ تأمین  
سعادت زندگی بیش از هرگونه سعی و کوشش اخلاقی  
و جسمانی موثر و مفید خواهد بود " •

عفت و ازدواج قرین و ملازم یکدیگرند و هرچه  
ازدواج زودتر صورت گیرد بهتر است • منظور از ازدواج  
داشتن اولاد است معذک در دنیا کنونی مخصوصاً  
در زندگی پر زحمت و هیاهوی شهرهای بزرگ این  
حقیقت بسرعت از نظر محو میشود • ما بطوری از  
سرشت پاک خاکی خود منحرف شده و در پیج و خم  
تمدن مادی خویش حیران و سرگردان مانده ایم که  
حتی از لذات و مواهب اولیه و اصلیه حیات که هر  
حیوانی از آن متمتع و برخوردار است خود را محروم

ساخته ایم . داشتن اولاد امر طبیعی است داشتن اولاد نه فقط از لحاظ صحتی و جسمی برای ما مفید و از نظر جامعه لازم و ضروری است بلکه از جنبه روحانی نیز موجب سعادت است . تولید مثل و یا موجود ذیروحی که از ما بوجود آمده و متکی بشما باشد یک رشته احساسات و عواطف در قلب برمی انگیزد قلب کسیکه بانوازش نفل خود باهتزاز در نیاید در حقیقت مرده است .

احساسات و عواطفی که در اثر ملاحظت و نوازش اطفال بوجود میآید تا حدی از خود خواهی ماکه همیشه گرفتار آن هستیم میگذرد و علاقه جدید و شدید و همچنین حسن مسئولیت تازه در ما ایجاد مینماید و شخص را بر آن میدارد که مواظب خویش بوده و شرافت و حیثیت خود را در نظر گیرد و یکنوع محبت جدیدی در ما بوجود میآورد که لازمه آن عطا و بردباری و از خود گذشتگی است . در حقیقت داشتن اولاد میتواند در والدین حسن تزکیه نفس ایجاد نماید و باید همچنین باشد . اولاد هر حالوت زندگی میافزاید . در این مورد این وظیفه مهم پیش میآید که برای مولود جدید در فکر وسائل زندگی و تعلیم و تربیت باشیم . پدر و مادر را بیشتر

بیکدیگر علاقمند و مهربان نموده و بر میزان محبت آنان  
افزوده و شجره ازدواج آنان را بارور میسازد • بالا تر از همه  
طفل زندگی بکنواخت و بی لطف را که ملازم سن پیری است  
تا حد زیادی بر طرف میکند • معمولاً جوانان زندگانی  
خود را به دون اطفال کافی و کامل میدانند و نفوس متوسط <sup>لسن</sup> ا  
در دوره رشد و کمال خود را از داشتن اطفال بی نیاز  
میشمرند • لکن برای اشخاص مسن و بی اولاد زندگی بکلی  
بالا نمر بوده و بنحو عجیبی عاری از عشق و محبت است •

نفوس بی اولاد با نظم عمومی جهان هم آهنگی ندارند  
در عالم ماده نگویند موجودات بیحد و حساب است در عالم  
خلقت موجودات بحد و فور وجود دارد مثلاً خورشیدها و  
جهانهای متعدد و توالد و تکثیر انواع موجودات و قسوه  
شگرف رشد و نمو و اسراف و تهذیب در عالم طبیعت و میلیو  
تخم در شکم ماهی و هزاران تخم در حقه گل مشاهده میشود  
با اینحال انسان که دارای روح و اشرف مخلوقات است  
اگر خود را از این قاعده توالد و تناسل که عبارت از ظهور و  
بروز مناسبت حیاتی است محروم کند جای تأسف خواهد  
بود در این صورت انسان خود را از ثمره وجود خویش محرو  
م و از یکی از بهترین و بزرگترین مواهب حیات بی نصیب ساخته  
است •

برای داشتن اولاد دلیل قاطع دیگری نیز وجود دارد •  
حیات را میتوان به پرواز مرغی تشبیه کرد مادی و بیجان  
بجسم جاندار ارتقاء جسته و حیات بصورت انسان  
درآمده و تنها انسان است که بخدا راجع میشود  
این پرواز بجایگاه رفیعی میرود که ما در این دنیا  
قادر به درك آن نیستیم • انسان پس از مرگ باز بزندی  
خود ادامه داده و در حال ترقی و رشد خواهد بود •  
بنابراین تا علّت صحیحی وجود نداشته باشد مانهاید  
بمیل خود این سلسله را قطع نموده و یا مانع از آن  
گردیم که موجودات دیگری بحیث وجود آمده و مانند  
ما مراحل ترقی و تکامل را طی نمایند • انتهای

